

زیر آسمان فیروزهای

بازگشت درستکار به تلویزیون

● شرق: شبکه چهار سیما در روز عید غدیر، عید ولایت و امامت، با پخش اذان ظهر با صدای ماندگار استاد سلیم مؤذن‌زاده‌اردبیلی و ترجمه شعرگونه آن، فصل جدیدی از برنامه‌های جدیدش را آغاز و آنها را روی آنتن می‌برد. طبق برنامه‌ریزی‌های اخیر شبکه چهار سیما، از روز شنبه، ۱۱ مهر برنامه‌های «چرخ، صدبرگ، فانوس، نقد تئاتر، چهارسوی علم سری هفت و تله‌تئاترها» روی آنتن خواهند رفت. تا پیش از این علی درستکار برنامه «این شب‌ها» را اجرا می‌کرد که بنا به تصمیم مدیران صداوسیما، پخش این برنامه متوقف شد.

بازگشت شهریار مسرور به دنیای موسیقی

● گروه موسیقی «ریتون» به خوانندگی شهریار مسرور، ۱۱ مهر ساعت ۲۱ و ۱۲ مهر ساعت ۲۰ و ۲۲ در سالن پردیس چارسو روی صحنه می‌روند. شهریار مسرور پس از ۱۵ سال دوباره به دنیای موسیقی بازگشته و قصد دارد با همکاری علیرضا شمس‌اسکندری آلبوم جدیدی منتشر کند. این آلبوم درحال‌حاضر در مراحل پایانی تولید است. به‌همین‌خاطر قرار است قبل از انتشار آلبوم جدید، قطعات آلبوم‌های قبلی شهریار مسرور به نام «بهشت از آن تو» و «گاهی‌وقت‌ها» با تنظیمی تازه و البته با حفظ اصالت و فرم کلی قطعات و با نوازندگی علیرضا شمس اسکندری؛ درامز، آرین کشیشی؛ گیتار باس، علیرضا میرآقا؛ ترپومپ و پرکاشن؛ فواد الهی‌قمشه‌ای؛ گیتار الکتریک و فرشاد نجاتی؛ کلایوه روی صحنه برود تا تجدیدخاطره‌ای برای دوستداران این موسیقی باشد.

قاسم افشار زنده‌است تکذیب خبر درگذشت گوینده قدیمی

● شرق: فاجعه منا بسیاری از هم‌وطنان را عزادار کرد اما چیزی که بیش از آن توجه مردم را به خود جلب کرده، اخبار و شایعات مختلف در مورد مرگ برخی از چهره‌های مطرح است. قاسم افشار، گوینده قدیمی خبر نیز ازجمله چهره‌هایی بود که این شایعات در موردش خریزاش شد. محمدرضا حیاتی، گوینده باسابقه رادیو، در گفت‌وگو با مهر درباره شایعاتی که پیرامون درگذشت افشار در حادثه «منا» منتشر شده، گفت: شایعاتی در فضای مجازی مبنی‌بر حضور قاسم افشار در حج و حادثه منا منتشر شده است که هیچ حقیقتی ندارد. افشار در این چندروز در تهران بوده است و معلوم نیست چه کسانی و با چه اهدافی این شایعات را منتشر می‌کنند. حیاتی با اشاره به عکسی که از افشار در فضای مجازی منتشر شده، متذکر شد: من هم این عکس را دیدهام و متأسفانه کار زشت و ناپسندی است که عده‌ای به‌راحتی عکسی را درباره مرگ و زندگی یک نفر انتشار می‌دهند، اما مردم باید هوشیار باشند چراکه غیرمتخصص ترس و غیرحرفه‌ای‌ترین افراد هم به‌راحتی می‌توانند عکسی را دانلود کرده و با نوشتن متنی روی آن به انتشارش اقدام کنند.

تجمع اهالی سینما درواکنش به فاجعه «منا»

● شرق: شامگاه دوشنبه، ششم مهر اهالی سینما در خانه‌شان، واقع در خیابان وصال، گردهم آمدند تا اعتراض خود را نسبت به حادثه خونین منا، اعلام کنند. طیف گسترده‌ای از هنرمندان و مدیران سینمایی شامل علیرضا داوودنژاد، علیرضا تابش، احمد مسجدجامعی، محمدحسین لطیفی، فرشته طاپورپور، رخشان بنی‌اعتماد، رضا میرکریمی، رضا کایانیا، همایون ارشادی، مهتاب کرامتی، مصطفی شایسته، حبیب رضایی، ستاره اسکندری، حجت‌الله ایوبی، عبدالجسن برزیده، مسعود رایگان، محمدعلی نجفی، رضا ناجی، منوچهر محمدی، فرید مصطفوی، لاله اسکندری و... در کنار هیات‌مدیره خانه سینما در حیاط خانه سینما شماره دو، گردهم آمدند و با خانواده‌های داغدار از این فاجعه، همدردی کردند. شمع‌های روشن اطراف حوض خانه سینما به یاد قربانیان فاجعه منا روشن شده بود.

شرق: شخصیت اصلی آخرین فیلم امیر نادری به‌دنبال انجام ناممکن‌هاست. بخش اول فیلم‌برداری «کوه» در یکی از استان‌های اتریش به پایان رسیده و بخش دوم آن در ایتالیا فیلم‌برداری می‌شود که

آخرین ساخته امیر نادری، کارگردان ایرانی، «کوه» نام دارد که در یکی از روستاهای دورافتاده ایتالیا ساخته خواهد شد. «کوه» فیلمی سمبلیک است که داستان آن قرن‌ها قبل در روستایی رخ می‌دهد که زیر کوه لاتمار در بخش التو آدیجی ایتالیا واقع است. یک کشاورز و همسرش باید با این واقعیت که قله دوه‌زارو ۵۰ متری مانع تابیده‌شدن خورشید به زمین‌هایشان می‌شود، مقابله کنند. آندرا سارنورتی، بازیگر ایتالیایی که در سریال‌های تلویزیونی‌ای مانند «مان جنایی» و «ماموریت غیرممکن ۳» بازی کرده و کلادیا پوتنزا در این فیلم بازی می‌کنند. یک شرکت ایتالیایی با نام «سترولو» در زمینه عکاسی با نادری همراهی می‌کند و کارلسو هیتزمان، جراردو پانیچینی، میشل پتوچی و جرومی کالتاگیرونه در کنار ژوآکومدیای ایتالیا و شرکت نیویورکی «ستیریم» از تهیه‌کنندگان «کوه» هستند. امیر نادری از فیلم‌سازان سینمای موج نو ایران است که یکی از آثارش با عنوان «دونده» مورد توجه قرار گرفت و از سوی برخی منتقدان در فهرست یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های ربع قرن اخیر انتخاب شد. او در اواخر شهریور سال‌جاری نیز به ایتالیا رفته بود تا در هفتادوومین جشنواره فیلم ونیز شرکت کند و همان‌جا با «ورایتی» گفت‌وگویی انجام داده و با بیان اینکه این اثر همچون دیگر فیلم‌هایش، دیالوگ زیادی ندارد، گفته بود: «در فیلم‌هایم، سعی می‌کنم

سینمای کودک و نوجوان به روایت کامبوزیا پرتوی

جشنواره‌ای که روی دست دولت‌ها ماند

عسل عباسیان: چندسالی است سینمای کودک و نوجوان، به بیماری روبه‌احتضار تشبیه می‌شود. برای این تشبیه دلائل زیادی آورده می‌شود؛ از جمله این که دیگر پرده‌های سینما میانه خوبی با آثار سینمای کودک ندارند و معدود آثاری مربوط به کودکان و نوجوانان شانس اکران عمومی را می‌یابند یا اینکه تعداد زیادی از تولیدات سینمای کودک هنوز موفق به نمایش عمومی نشده‌اند. سالانه بیش از یک یا دو فیلم اکران نمی‌شود و وضعیت اکران و فروش این آثار هم در اغلب موارد ناموفق است و مهم‌تر از همه اینکه این آثار در ارتباط‌گیری با مخاطب در اغلب موارد ناکام‌اند. جشنواره سینمای کودک و نوجوان هم به‌تبع این بیمار روبه‌موت، در وضعیت اسفباری به‌سر می‌برد. به‌گواه بسیاری از دست‌اندرکاران و سازندگان کارهای کودک و نوجوان، این جشنواره تأثیری بر ارتقای کیفیت آثار نداشته و در این سال‌ها، ۱۲،۱۰ اثر داخلی و ۱۲،۱۰ اثر خارجی برپا شده‌است. اینها در حالی است که سینمای کودک و نوجوان ایران در دوره‌ای حیات پربراری داشت و کارگردانان برجسته‌ای چون کیارستمی، تقوایی، نادری، پرتوی، مجیدی و دیگران کارهای ماندگاری در این عرصه از خود به یادگار گذاشتند. با کامبوزیا پرتوی، که در کارنامه‌اش ساخت فیلم‌هایی چون «ماهی» و «گلنار» به‌ر چشم می‌خورد، به بهانه برگزاری جشنواره فیلم نوجوان در همدان (۳ تا ۸ مهر) درباره سال‌های اوج سینمای کودک و نوجوان، و سپس افول این سینما به گفت‌وگو نشستم.

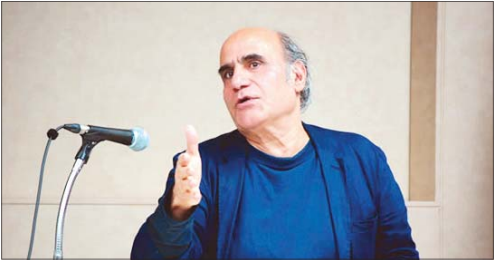
● سینمای کودک در سال‌های ده ۶۰ اوج خودش را تجربه کرد. فکر می‌کنید اوج سینمای کودک در آن سال‌ها، ریشه در چه داشت؟
تجربه این اوج، به‌خاطر احساس نیازی بود که مسئولان و فیلم‌سازان داشتند. آن سال‌ها، سال‌های سخت جنگ بود و سینماگران و مسئولان در قبال بچه‌ها احساس مسئولیت می‌کردند و این باعث شده بود سینمای کودک فرصتی پیدا کند برای ابراز وجود. البته فعالیت‌های ده ۵۰ کانون پرورش فکری در این تجربه بی‌تأثیر نبود، چون این اوج را همان دوستانه‌ی رقم زدند که در سال‌های دهه ۵۰ در کانون فیلم می‌ساختند.

● در آن سال‌ها شاهد شکل‌گیری دو نوع جریان در سینمای کودک بودیم؛ یکی جریانیه که فیلم‌های شاد و فانتری می‌ساخت و دیگری، جریان سینمای اجتماعی و متفکر. خاستگاه هر یک از این جریان‌ها چه بود؟
هرکدام از این جریان‌ها وظیفه خودشان را داشتند. فیلم‌های فانتری متأثر از جنگ بودند و سازندگان‌شان فکر می‌کردند به اینکه چرا بچه‌ها باید همچنان در جامعه سیاه جنگ، کودکی‌شان را بیازند و چون برنامه‌های تلویزیون هم خیلی محدود و تکراری بود، خودبه‌خود برای فیلم‌سازان این وظیفه ایجاد می‌شد که به شکلی دیگر این کاستی بچه‌ها را جبران کنند. آن جریان

هنر

بخش اول فیلم‌برداری «کوه» پایان یافت

شخصیت اصلی فیلم «نادری» در جست‌وجوی ناممکن‌ها



شخصیت‌هایی را با فرهنگ‌ها، کشورها و موقعیت‌های مختلف در کنار هم قرار دهم. در نهایت شخصیت‌های من به حیات ادامه می‌دهند زیرا باور دارم بشر می‌تواند چیزهای غیرممکن را ممکن کند».
ورایتی همچنین در مورد ساخته‌شدن این فیلم در ایتالیا نوشته بود: «نادری فیلم «کوه» را پس از ساختن فیلم «کات» در ژاپن، در ایتالیا می‌سازد و این در حالی است که عباس کیارستمی، فیلم‌ساز ایرانی، هم اولین فیلمش را در ایتالیا با عنوان «کپی برابر اصل» در سال ۲۰۱۰ ساخت و پس از آن فیلم «شبیبه یک عاشق» را در سال ۲۰۱۲ در ژاپن جلو دوربین برد.

نادری هم در واکنش به این مسئله گفته بود: «عباس دوست نزدیک من است و پس از اینکه «کات» را در ژاپن ساختم، به او اصرار کردم تا یک فیلم آنجا بسازد و او به من گفت ایتالیا را انتخاب کرده است. هر فیلم‌سازی می‌خواهد یک فیلم در ایتالیا بسازد». اما ظاهراً انتخاب ایتالیا

امیر نادری، کارگردان فیلم «کوه»

اجتماعی در سینمای کودک هم مختص کارگردان‌هایی بود که قبلاً همان سینما را در کانون تجربه کرده بودند. به این جریان اجتماعی فیلم‌هایی درباره کودک ناطاق می‌شود اما من فکر می‌کنم کودکان هم می‌توانند آن فیلم‌ها را ببینند.

● چه شد که فیلم‌سازهای متفکر و جریان‌سازی مثل بیضایی، تقوایی، مهرجویی، نادری، کیارستمی و... همه در دوره‌ای به سمت سینمای کودک گرایش پیدا کردند؟

نکته‌ای که در سال‌های دهه ۶۰ وجود داشت، این بود که فیلم‌سازی معمولی خیلی سخت شده بود. تصویب فیلم‌نامه برای بزرگسال با اماوگرهای بسیار مواجه بود. این اماواگرها برای سینمای کودک خیلی کمتر بود. بعد هم فضایی وجود داشت به اسم کانون پرورش فکری،

که جای خوبی بود برای ساخت فیلم‌هایی مثل «دونده»، «باشو»، «خانه دوست کجاست؟» و «کلید». اینها فیلم‌هایی بودند که اگر قرار بود از کانال ارشاد ساخته بشوند شاید هرگز از ارشاد مجوز نمی‌گرفتند اما کانون با اعتمادی که به این نوع تفکر داشت شرایط را برای ساخت چنین فیلم‌هایی ایجاد کرد.

● تحلیل‌هایی هست که می‌گوید شرایط آن دهه و کم‌رنگ‌شدن نقش زن‌ها در سینما، یکی از عواملی بود که باعث شد فیلم‌سازان به سمت سینمای کودک بروند. این تحلیل را قبول دارید؟

این هم می‌تواند دلیلی باشد برای توجه بیشتر به سینمای کودک، اما صرفاً این دلیل نمی‌تواند سبب اوج‌گیری این سینما باشد. همان محدودیتی که در فیلم‌های دیگر برای زن‌ها وجود داشت، در سینمای کودک هم حاکم بود، منتها به‌طورکلی سینمای کودک، سختگیری سینمای عام را نداشت.

● در بین دو جریان نامبرده در سینمای کودک، فکر می‌کنید آن سال‌ها کدام موفق‌تر عمل کردند؟

هر دو به نوع خود موفق بودند. فیلم‌های شاد و فانتری مورد استقبال بچه‌ها و خانواده‌هایشان قرار

به‌عنوان لوکیشن این فیلم هنوز مورد توجه است. نادری در تازه‌ترین گفت‌وگویی که با یکی از رسانه‌های این کشور انجام داده، در مورد دلیل انتخاب ایتالیا چنین پاسخ داد: «ایتالیا با این فرهنگ و تاریخ طولانی و پس‌زمینه‌های پیچیده یکی از جذاب‌ترین کشورهای جهان است. من به این نتیجه رسیده‌ام که ایتالیا بیشتر از هر کشور دیگری، زن‌هایی را تولید کرده که مسیر تمدن و انسانیت را تغییر داده و به همین دلیل در این دوره، فیلم جدیدم را در اینجا فیلم‌برداری می‌کنم».

او در ادامه به شخصیت‌های فیلم هم اشاره کرد: «اگر شما کارهای گذشته من را دیده بودید، می‌دانستید که همیشه شخصیت‌ها و حساسیت‌هایشان را تحت فشار می‌گذارم. شخصیت داستان من بعضی از ناممکن‌ها را انجام و امور را تغییر می‌دهد. شخصیت اصلی فیلم، آگوستین، درواقع یک کشاورز است که سعی می‌کند کارهای ناممکن را انجام دهد و آنها را ممکن کند».

این نشریه همچنین عنوان کرده است که بخش اول فیلم‌برداری فیلم بعد از چندروز در جنوب استان تیرول در کشور اتریش به پایان رسیده و بخش بعدی فیلم‌برداری به مدت چهار هفته در استان پوردونونه در ناحیه فربولی وئتزا جولیا در کشور ایتالیا‌ست. قرار است گروه دوم فیلم‌برداری ۱۶ اکتبر به این منطقه برسند. به گفته این رسانه ایتالیایی، «کوه» درعین‌حال یک پروژه خیالی و انتزاعی برای این کارگردان ایرانی مهاجر است که در نیمه دهه ۱۹۸۰ به آمریکا رفت و مخاطبان جشنواره‌های بین‌المللی را با فیلم‌های فراموش‌نشدنی «دونده»، «آب، باد، خاک»، سه‌گانه «منهتن» و «کات» مجذوب کرد.

سینمای کودک و نوجوان به روایت کامبوزیا پرتوی

جشنواره‌ای که روی دست دولت‌ها ماند

داوری‌اش را قبول می‌کردند و تقریباً از هر نوع حمایتی به‌برخوردار بود. بعد که به‌مرور سینمای کودک موردحمایت قرار نگرفت، جشنواره کودک و نوجوان هم افول کرد و انگار آن جشنواره روی دست دولت‌ها ماند و تعطیلش نه نکردند، چون هیچ کدام نمی‌خواستند گناه تعطیل‌شدنش را بپذیرند. هر سال، وقتی جشنواره نزدیک می‌شد، عده‌ای شروع می‌کردند به ساختن فیلم و این‌چنین بود که به‌مرور این جشنواره تبدیل شد به یک جشنواره حمایتی بی‌پشتوانه. چون نیازش احساس نمی‌شد، سینمای کودکی هم دیگر وجود نداشت، تهیه‌کننده‌ها هم فیلم نمی‌ساختند و خودبه‌خود جشنواره کودک هم ضعیف می‌شد، چون دیگر جایگاهی نداشت. وقتی جشنواره ضعیف شد، دیگر فیلمی هم برای کودک و نوجوان نداشتیم. دولت‌های مختلف که بر سرکار آمدند، هدفشان این‌که نداشتن جشنواره به هر قیمت بود، پس باید هر سال چند فیلم هم می‌ساختند. پس فیلم‌ها فقط ساخته می‌شد که جشنواره خالی نباشد. این نوع برخورد، خودبه‌خود باعث افول هم جشنواره و هم سینمای کودک و نوجوان شد. فارابی در هشت سال دولت قبل، چند فیلم کودک و نوجوان ساخته که حتی نمایش داده نشده. چون آن‌قدر فیلم‌های بدی بوده که آن را حتی به دیگر جشنواره‌ها هم برای نمایش جشنواره‌ای نفرستادند. نه کارگردانش غم سینمای کودک داشته و نه تهیه‌کننده و دیگر عوامل. فقط خواسته‌اند دوره‌هم فیلمی بسازند که جشنواره خالی نباشد!

● دورنمای سینمای کودک و نوجوان را چطور می‌بینید؟

این دورنما بستگی به همین جدایی دارد. باید دید ثمره این جدایی چه می‌شود تا بتوان راحت‌تر درباره این دورنما حرف زد. نگران‌ام همیشه این بود که اگر همچنان قرار باشد چند فیلم سفارشی برای جشنواره ساخته شود، باز هم سینمای کودک نجات پیدا نمی‌کند چون لزوم ساخته‌شدن فیلم برای کودک، فشارهای دولت است و نه خود کودکان.

● خود شما هم باز فیلم کودک و نوجوان خواهید ساخت؟

حتما. چرا ناسازم؟

● در این سال‌هایی که نساخیتد، این تصور به وجود آمده‌بود که تنها این سینما دیگر دغدغه‌تان نیست...

وقتی در دورانی هیچ‌کس دغدغه‌اش نبوده من چرا باید دغدغه‌اش را داشته باشم؟ سه فیلم آخرم درباره کودکان همه شرایط بدی را سپری کردند. دوستان اکران خوب نداشتند و یکی هم چنان به‌سختی زمین زده شد که دیگر من توانام از جابم بلند شوم. تا وقتی شرایط چنین بود و ناامنی حاکم بود معلوم بود من فیلم کودک نخواهم ساخت! اما! ما محض اینکه اوضاع بهتر شود و احساس امنیت کنم، حتما فیلم کودک می‌سازم.



امیر نادری، کارگردان فیلم «کوه»

چهره روز

رفیعی از مال‌اندوزی بین هنرمندان کلایه‌کرد



● علی رفیعی روز گذشته در نشست خبری نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و قتل میرزاتقی‌خان امیرکبیر» علاوه بر ارائه توضیحاتی درباره نمایش جدید خود، به کلایه جدی از روند مال‌اندوزی بین هنرمندان و ازیمان‌رفتن ارزش‌های حرفه‌ای پرداخت.علی رفیعی در این نشست در پاسخ به این سؤال که آیا اجرای این نمایش سرآغازی برای ادامه فعالیت‌های او را راه‌اندازی کارگاه آموزشی دانی خواهد شد یا خیر؟ بیان کرد: ۳۸ سال است که منتظر دراختیارداشتن یک مکان ثابت تمرین و تربیت نسل جوان بازیگران، طراحان صحنه و کارگردان به‌سر می‌برم اما این خواسته همواره از من دریغ شده و حتی طبقه هفتم مجموعه بنیاد رودکی که خودم بانی راه‌اندازی آن بودم را به من ندادند. این هنرمند تئاتر در ادامه با بیان ایشنه‌ای از فعال‌شدن طبقه هفتم بنیاد رودکی، ادامه داد: بعد از اجرای نمایش «رومئو و ژولیت»، این کار فروش زیادی داشت و من همان زمان به آقای شکری‌نیا که مسئولیت مجموعه را برعهده داشت گفتم اجازه نمی‌دهم درآمد حاصل از فروش این نمایش بیهوده خرج شود و باید طبقه هفتم بنیاد رودکی را فعال کنیم. حتی آقای منتظری، مدیر مرکز هنرهای نمایشی وقت، نیز با من موافق بود که درنهایت این کار انجام شد و من هیچ‌وقت به‌عنوان بانی این اتفاق انتظار خاصی نداشتم.رفیعی با کلایه از چشم‌وهم‌چشمی‌های مالی مرسوم این‌روزهای اهل تئاتر و سینما اظهار کرد: ۲۵ سال از عمرم را در فرانسه گذراندم و هیچ‌وقت ندیدم هیچ‌کدام از هنرمندان تئاتر آن کشور ماشین‌های آخرین مدل‌سوار شوند یا در خانه‌شان میز بیلیارد باشد. هنرمند تئاتر قرار نیست ویلاي آنجانی داشته باشد اما متأسفانه چشم‌وهم‌چشمی‌های مادی به رقابت بر سر تعداد سیلندرهای ماشین‌های جدید رسیده است.رفیعی همچنین گفت: من آمادگی کار دارم اما متأسفانه سیاست‌های فرهنگی منسجمی در کشور وجود ندارد، به‌همین‌دلیل نمی‌دانم آیا کار من استمرار خواهد داشت یا خیر.

پیشنهاد روز

«تهران شهری‌بی‌دفاع» درگالری دنا

● شرق: «تهران شهر بی‌دفاع» در گالری دنا، رونمایی می‌شود. این نمایشگاه دهم مهرماه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ افتتاح می‌شود و تا ۲۷ مهر ادامه دارد. «تهران شهر بی‌دفاع» به گردآوری فرشید پارسی‌کیا و با آثاری از: آزاد احمدی، آیدا احمدی شرف، کورش ادیم، مینا بخشی، صالح تسبیحی، هامد جابره، حمید جانی‌پور، مرتضی حسینی، ابراهیم حقیقی، میرش خیر، مصطفی دهقانیا، معصومه دیواندری، علی رشیدی‌فر، میلاد فداکار، محمد فدایی، نسیم گلی، احمد مطلایی، مریم نهاله، رسول یونان و ویدئوآرت: «تهران شهر خاکستری»: میثم مقصودی و رفرورمنس: «چهار عمل اصلی با تهران»: محمد آرمزمنفد و بررسی کتاب: اسطوره تهران و شعرخوانی: قسم به توت‌های لک‌دمل/ این‌جا تهران است و همچنین آسیب‌شناسی شهر تهران با عنوان تهران، شهر ناتمام توسط نیره توکلی دهم مهرماه در گالری دنا افتتاح می‌شود. گالری دنا در میدان فردوسی، خیابان قرنی، بالاتر از چهارراه طالقانی، کوچه سوسن، پلاک چهار، واحد دو واقع شده است.

برپایی دومین فستیوال موسیقی تهران

● دومین فستیوال موسیقی تهران با حضور شهرام ناظری، فرهاد فخرالدینی، محمد معتمدی، علی رهبری و... از ۱۲ تا ۱۶ مهر در برج میلاد برگزار می‌شود.حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی و دبیر جشن، در نشست رسانه‌ای که صبح یکشنبه، پنجم مهر برگزار شد، گفت: «از سال گذشته جشن سالانه تبدیل به یک فستیوال با عنوان «فستیوال موسیقی تهران» شد. دلیل نام‌گذاری هم این بود که این فستیوال‌ها در جهان با نام شهرها و گاهی مکان‌های خاص شناخته می‌شود. فستیوال موسیقی تهران سال گذشته در عمارت مسعودیه برگزار شد و تصمیم داشتیم این فستیوال با عمارت مسعودیه پیوند همیشگی داشته باشد. متأسفانه امسال نتوانستیم فستیوال را در آن مکان برگزار کنیم. متأسفانه امسال اجازه ندادند روی حوض این عمارت پوشیده شود و به‌همین‌دلیل از برگزاری این جشن در عمارت مسعودیه منصرف شدیم». محسن رجب‌پور، نماینده کانون ناشران خانه موسیقی و دبیر اجرایی کنسرت‌های فستیوال، درباره قیمت بلیت‌های فستیوال موسیقی تهران گفت: «بر اساس سیاست‌های حمایتی خانه موسیقی سقف بلیت‌فروشی صد هزار تومان و به‌ترتیب ۸۰، ۶۰، ۵۰ و ۴۰ هزار تومان است».